

دلالت‌های تربیتی احکام کتابت بر اساس دیدگاه شهید ثانی*

□ **مهم‌ترین حقیر****

□ **صدیقه مهری کیی*****

هدف از پژوهش حاضر، استخراج دلالت‌های تربیتی احکام کتابت و نشر علم است. برای این منظور باب پنجم کتاب *منیة المرید فی اداب المفید و المستفید* نوشته زین الدین بن علی بن احمد عاملی جبعی معروف به شهید ثانی، مورد بررسی قرار گرفت. در این بررسی که بر اساس سؤال اصلی تحقیق و با رویکرد تحلیل کیفی با فرآیند تحلیل مضمون برای دریافت ایده آشکار و پنهان مؤلف، به روش تحلیلی و استنباطی وارد متن شده، دلالت‌های تربیتی استخراج شد. یافته‌های پژوهش عبارتند از: خلوص نیت به مثابه حس جهت‌یابی مشروع، توجه به مسئولیت اجتماعی، تولید و نشر علم نافع، سرمایه‌گذاری بهینه، سخاوت علمی و توسعه سرمایه. نتیجه یافته‌ها حاکی از آن است که دلالت‌های تربیتی در دو بعد فردی و حاکمیتی قابل بیان است که در نهایت در صورت مساعدت می‌تواند به خیر عمومی منجر شود.

کلیدواژه‌ها: دلالت تربیتی، احکام کتابت، شهید ثانی، خیر عمومی، حاکمیت.

* تاریخ وصول: ۱۳۹۷/۲/۳۰؛ تاریخ تصویب: ۱۳۹۷/۳/۳۰.

** عضو هیئت علمی دانشگاه امام صادق ✉ (Baradaran@isu.ac.ir).

*** عضو هیئت علمی دانشگاه امام صادق (S.Mahdavi@isu.ac.ir).

(این مقاله از همایش فقه تربیت پردیس خواهران دانشگاه امام صادق ✉ به مجله ارسال شده است).

تولید علم از جمله دغدغه‌های دنیای امروز است که در رفع نیازهای جوامع بشری نقش اساسی ایفا می‌کند؛ هرچند بر اساس آموزه‌ها، باورها و انگیزه‌ها، تعاریف و رویکرد نگرش به آن در جوامع متفاوت است. این ضرورت در جامعه ما نیز وجود دارد و به همین دلیل بیش از پیش جامعه علمی مورد خطاب قرار می‌گیرد تا با تعامل مؤثر با جامعه، پس از درک نیازها به تولید علمی پاسخگو همت گمارد. از جمله این نیازها در جامعه و حکومت دینی، تولید علم دینی و کتابت آن است تا شرایط برای نشر، نقد و توسعه آن فراهم شود.

خداوند با نخستین نعمت خویش بر انسان یعنی قرآن کریم، به صراحت ارزش علم و دانش را به انسان متذکر می‌شود^۱ و پیامبر| به عنوان اولین مربی و معلم مسلمانان خود مشوق و ترغیب‌کننده به علم و کتابت است (نلینو، ۱۳۷۸: ۳۰) و از همان روزهای نخست وحی، کاتبانی را گرد آورد تا پیام آسمانی را مکتوب کنند که حکایت از اهمیت نوشتن تعالیم در نزد پیامبر اسلام| و گسترش بعد از آن دارد (رحیمی راغب و قیم، ۱۳۹۴: ۴۵). ایشان در روایت متذکر می‌شود: «قَدْ دُوا الْعِلْمَ بِالْكِتَابِ؛ دانش را با نوشتن در بند بکشید» (حرانی، ۱۴۰۴: ۳۳۶). به همین مضمون امام صادق * می‌فرماید: «اُكْتُبُوا؛ فَإِنَّكُمْ لَا تَحْفَظُونَ إِلَّا بِالْكِتَابِ» (متقی هندی، ۱۴۰۱: ۲۴۹/۱۰).

بنابراین کتابت و نگارش به دلالت صریح روایات، یکی از راه‌های حفظ و صیانت از حقایق است؛ خواه دینی باشد یا غیر آن. نیز از طریق کتابت و نگارش به دلیل کاهش نگرانی از دست رفتن یا تغییر و جعل آن، آرامش و اطمینان را در پی خواهد داشت.^۲ به غیر از آنکه کتابت و نگارش راهی برای حفظ و صیانت، آرامش خاطر و ترویج بهینه آن است، ارزش افزوده‌ای در پی دارد که برای رفع نیاز در آینده خود و دیگران کارساز می‌باشد (شهید ثانی، ۱۴۰۹: ۳۴۰) این مفهوم را با نقل روایتی از امام صادق * به نقل از مفصل بن عمر آورده است:

دست اندرکار نگارش باش و علم و آگاهی خود را میان برادران ایمانی خود منتشر ساز و چون از دنیا بروی برای فرزندان این نشتار را به ارث گذار زیرا روزگاری پر آشوب در پیش است که مردم جز با نوشته و کتاب‌های خود نمی‌توانند خویشان را با چیز دیگری مانوس و سرگرم سازند.^۳

گویا در این روایت، نوشتار فردی نیز به عنوان تجربیاتی که ارزش دارد و انس و آرامش می‌آورد را مورد توجه قرار می‌دهد که نشانه اهمیت و ضرورت توجه به نگارش و کتابت است. به عبارت دیگر: تجربه بشری را به عنوان بخشی از دانش مورد اعتنا قرار می‌دهد که کارآمد بوده و در روزگار پر آشوب مأمّن است. شاید بتوان گفت که یکی از دلایل این کارآمدی در زمان فتنه، اشاره به همان تکرار ادوار تاریخی است که برای خود و دیگران بصیرت‌آور باشد یا این اطمینان را بدهد که «تلك الايام نداولها بين الناس» (آل عمران: ۱۴۰). نیز اعتبار علم و اهمیت نزدیک بودن آن به واقعیت بر توجه به تجربه‌ها، ثبت دانش ضمنی افراد و ساخت آن بر اساس ارتباط میان ذهنی دلالت دارد.

اهمیت علم‌آموزی و کتابت علم در آیات و روایات بسیاری ذکر شده است.^۴ با توجه به اهمیت و ضرورت موضوع، با کنکاش انجام شده، فقهی مانند احمد عاملی جبعی معروف به شهید ثانی در این باب به صراحت احکامی را بیان کرده است. او به حوزه تعلیم و تربیت نگاه ویژه‌ای داشته و با کتاب معروف *منیة المرید* در این عرصه وارد شده است. این احکام به دلیل ویژگی خاص فریضه بودن علم و نیز نگاه ویژه شهید ثانی به امر تربیت، در خود دلالت‌های تربیتی آشکار و گاه ضمنی قابل توجهی

دارد که این مقاله به آنها پرداخته است.

یکی از پایه‌های تولید نظریه در زمینه تربیت اسلامی بر فقه تربیتی استوار است که هدف از فقه تربیتی، تأمین ضرورت بنیادی و نیز پاسخ‌گویی به مسائل مورد ابتلای جامعه در این قلمرو می‌باشد. این مقاله می‌تواند تبیین‌کننده مبانی رفتار کتابت بر اساس احکام باشد.

با رجوع به آرای شهید ثانی درباره حکم کتابت و نگارش، احکام را بر حسب اهمیت علمی‌ای که نگارش می‌یابد، به سه بحث تقسیم می‌کند:

۱. چنانچه فراگرفتن آن علمی که نگارش می‌شود واجب عینی باشد، نگارش آن نیز واجب عینی است؛ زیرا حفظ و نگاهبانی چنین علمی متوقف بر نگارش آن است.

۲. اگر تعلم آن علم در حد واجب کفایی باشد، کتابت و نگارش آن نیز واجب کفایی است.

۳. اگر یادگیری آن علم مستحب باشد، نگارش آن نیز مستحب خواهد بود (عاملی جبعی، ۱۴۰۹ ق، ۳۳۹).

در این پژوهش، بر اساس سه اصل پیش گفته، با کنکاش در متن کتاب نامبرده، مضامین و ایده‌های آشکار و پنهانی که بر دلالت‌های تربیتی اشاره دارد، ارائه می‌گردد.

پژوهش حاضر از نوع تحلیل مضمون است. «تحلیل مضمون روشی برای شناخت، تحلیل و گزارش الگوهای موجود در داده‌های کیفی است که فرآیندی برای تحلیل داده‌های متنی فراهم می‌کند و داده‌های متنوع و پراکنده را به داده‌های غنی و تفصیلی تبدیل می‌کند» (براون و کلارک، ۲۰۰۶: ۸۴). در این شیوه پس از مشاهده متن، برداشت مناسب از اطلاعات به ظاهر نامرتبط در کنار تحلیل اطلاعات، محقق را به سمت شکل‌دهی نظام‌مند هدایت می‌کند (بویاتریس، ۱۹۹۸: ۵).

با توجه به هدف پژوهش حاضر، باب پنجم کتاب آداب تعلیم و تعلم در اسلام (ترجمه کتاب *منیة المرید فی ادب المفید و المستفید*) انتخاب شد که از نظر یک فقیه صاحب‌نظر در حوزه تعلیم و تعلم (شهید ثانی) درباره کتابت، نگارش و کتاب، وظایف افراد در قبال این مسئله، نکات مرتبطی وجود داشت. سپس بر اساس سؤال اصلی تحقیق و با فرآیند تحلیل مضمون برای دریافت ایده‌های آشکار و پنهان مؤلف، پژوهشگران به روش تحلیلی و استنباطی وارد متن شده، دلالت‌های تربیتی را استخراج کردند. دلالت‌های تربیتی نامبرده در قالب مقوله‌های اکتشافی به صورت نظام‌مند در بخش یافته‌ها ارائه شده است که به دلیل ویژگی تحلیل مضمون و قابلیت ایده‌ها، با سایر منابع توسعه یافته است.

هر عملی از دو جزء مشخص شکل می‌یابد: اول نیت که به منزله روح عمل است، دوم شکل عمل که در حکم جسم و کالبد عمل است. فعل بدون نیت یک رفتار اسلامی شناخته نمی‌شود. برای اینکه عملی از نظر اسلام فضیلت محسوب شود، باید در انجام دادن آن، هم نیت خالص و برای خدا باشد و هم شکل عمل مطابق فرمان خدا باشد. شرط اول را حسن فاعلی و شرط دوم

را حسن فعلی می‌نامند. بنابراین هر عملی با هر نیتی سازگاری ندارد و نمی‌توان عمل ناپسند را با نیت الهی انجام داد همچنان که نمی‌توان عمل شایسته را با نیت نادرست به جای آورد (مهدوی کنی، ۱۳۸۴، ۳۶۷).

شهید ثانی کتابت علم که از مهم‌ترین عوامل حفظ و صیانت علم و دانش است را به عنوان یک امر عبادی مورد بررسی کرده و مسئله نیت را در هدف نویسنده از نگاشتن به عنوان عامل مؤثری در نتایج مطرح می‌نماید. لذا کسی که در کتابت و نگارش، نیتی خالص و به دور از مطامع دنیوی نداشته باشد را شایسته نکوهش و کيفر اخروی می‌داند.

بر هر نویسنده‌ای لازم است که خداوند متعال و خواسته او را خالصانه هدف نگارش خویش قرار دهد - چنان‌که بر او لازم است تا در دانش آموختن و طلب علم نیز دارای خلوص نیت باشد؛ زیرا کتابت و نگارش به عنوان یک امر عبادی و نوعی از تحصیل و صیانت علم و دانش به شمار می‌آید. اگر کسی در مسئله کتابت و نگارش جز خداوند متعال را هدف و منظور خود قرار دهد... بهره و نصیب آخرتی نداشته و در مسیر کوشش خود با ناکامی مواجه خواهد بود (عاملی جبعی، ۱۴۰۹: ۳۴۱).

شهید ثانی معتقد است: نیت خالص نویسنده باعث می‌شود تا نوشته او تأثیر بیشتری در مقام عمل بر خواننده بگذارد؛ چرا که مقصد و هدف، به اعمال معنا می‌دهد. کسانی که بی‌هدف یا با اهدافی دیگر دست به نگارش می‌زنند آثارشان از لحاظ نتیجه خیر و شر متفاوت است؛ خیر و شری که همزمان با حیاتشان یا پس از مرگ به دلیل آثار بلندمدت کتابت و نگارش مورد استناد و عمل قرار می‌گیرد و می‌تواند بدعت و سنتی را به دنبال داشته باشد. بنابراین به عنوان حجت و دلیل به نفع یا زیان او در قیامت خواهد بود. به عبارت دیگر: به دلیل استمرار منافع کتابت، نیت در استمرار منافع ناشی از اثر تولید شده، جاری و باقی خواهد بود.

از عبارات شهید این‌طور استفاده می‌شود که اخلاص نگارش در علوم دینی، یک امر الزامی است و مثل تعلیم علوم دینی؛ هر چند متقوم به قصد قربت نیست ولی ریا در آن حرام است. پس وارد شدن به نگارش علوم الهی و دینی برای غیر خدا و مباحثات کردن و فخرفروشی و منافع دنیوی و ریا حرام است. اما تعبدی نیست. بنابراین اخلاص به عنوان استحباب مؤکد، در همه نگارش‌ها، مورد تأکید قرار گرفته است، اما به عنوان شرط در علوم، از نوع توصیلی نوع اول می‌شود؛ که مرزی بین تعبدی محض و توصیلی قسم دوم^۵ است. بنابراین کسی که بدون انگیزه الهی نگارش کند، عمل محقق شده او باطل نیست، اما اثر آن بر خواننده نسبت به کسی که انگیزه الهی داشته متفاوت خواهد بود.



شهید ثانی در کنار نگاهی که نگارش را توصیه می‌نماید، به نگارش برخی علوم تأکید ویژه دارد. این تأکید براساس نیاز جامعه زمان او است که به طور مشخص بیان می‌کند:

ولی باید گفت که مسئله نگارش در رابطه با قرآن و حدیث در زمان ما به طور مطلق، بدون هیچ قید و شرطی، واجب و ضروری است؛ زیرا اگر ما مناطق و اقطار مختلف جهان را در نظر بگیریم به این حقیقت واقف می‌گردیم که کتب دینی چنان دچار کمبود کمی و کیفی است که می‌توان گفت تاکنون در ادا و انجام چنین تکلیفی که دارای وجوب کفایی است کاری رسا و کامل انجام نگرفته و به ادای وظیفه واجب کفایی قیام نشده است؛ به ویژه درباره کتب تفسیر قرآن و حدیث... (عاملی جبعی، ۱۴۰۹: ۳۴۲).

وی در تعیین اولویت آموزش و نگارش علوم، چنان تأکید دارد که در آداب چینش کتاب‌ها - که در بخشی از کتاب متذکر شده - این دقت نظر را وارد کرده که قابل توجه است.

با رجوع به منابع دینی، عنوان نافع و غیر نافع برای علم وجود دارد (جوادی آملی (۱۳۹۱: ۸۰ - ۸۱). با دقت در احادیث معلوم می‌شود که آموزش علوم دینی، عقاید، قرآن، حدیث، فقه و واجبات، آموزش حرفه و صنعت،^۶ شعر دینی و آموزش مهارت^۷ تأکید بیشتری دارند. بر اساس اصول سه‌گانه شهید ثانی، از آنجایی که توجه به آموزش هر یک از این علوم و مهارت‌ها بر اساس نیاز بوده، تحقیق، تتبع و نگارش در این موارد نیز در ذیل واجب عینی، کفایی و مستحب قرار می‌گیرد.

با کنکاش در متون دینی بر اساس تتبع در علم نافع، شاید بتوان گفت: علم نافع علمی هدفمند و هویت‌ساز است که با همراهی عمل، با اتکا بر منابع مناسب بر اساس نیازهای واقعی، به کارآمدی می‌انجامد. از آنجایی که مجرای تحقق این علم، عالمان مزکی هستند. اصل تعقل و مبنای تفکر را تحت تأثیر قرار می‌دهد و به آن جهت می‌بخشد (برادران، دیالمه و صالحی عمران، ۱۳۹۴: ۱۸).

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، یکی از شاخص‌های تعریف علم نافع، هویت‌ساز بودن آن است. یادآور می‌شود که در منبع مورد بررسی، اگرچه شهید ثانی بیشتر بر قرآن و حدیث و علوم مرتبط با آن مانند تفسیر تأکید کرده است، اما با کنکاش در آیات و روایات و نیز نیازهای جامعه اسلامی، این نگاه قابل توسعه است. چه بسا که مباحث مرتبط با حرفه و صنعت یا برخی مهارت‌ها که می‌تواند جلوی تسلط غیرمسلمانان را بر مسلمانان بگیرد، در عصر ما به دلیل قاعده «نفی سبیل» واجب باشد.^۸

بر اساس اصول اولیه ارائه شده از سوی شهید ثانی بر احکام موجود، بر اساس وجوب (عینی و کفایی) و استحباب، این احکام بر علم نافع قرار می‌گیرد. این‌طور نیست که تحصیل علم نافع واجب یا رجحان داشته باشد، بلکه طرف مقابل هم کراهت دارد، یعنی تحصیل علم نافع رجحان و استحباب دارد و علم غیرنافع مذمت و نکوهش شده است: «لَا خَيْرَ فِي عِلْمٍ لَا يَنْفَعُ» (حرانی، ۱۴۰۴: ۷۰).

به نظر می‌رسد ویژگی‌های علم تولید شده که ارزش صرف وقت برای تولید و سپس کتابت دارد، اولویت‌ها را تعیین می‌نماید. در روایتی به نقل از امام صادق **×**، علم با چهار خصلت توصیف می‌شود:

وَجَدْتُ عُلُومَ [عِلْمٍ] النَّاسِ كُلِّهَا فِي أَرْبَعِ خِصَالٍ: أَوَّلُهَا أَنْ تَعْرِفَ رَبَّكَ وَ الثَّانِيَةُ أَنْ تَعْرِفَ مَا صَنَعَ بِكَ وَ الثَّلَاثَةُ أَنْ تَعْرِفَ مَا أَرَادَ مِنْكَ وَ الرَّابِعَةُ أَنْ تَعْرِفَ مَا يُخْرِجُكَ مِنْ دِينِكَ (ابن فهد، ۱۴۰۷: ۸)؛ همه علوم را در چهار ویژگی یافتیم: نخست اینکه خدای خود را بشناسی، دوم بدانی چه مصالحی در ساختن تو به کار برده است، سوم بدانی از تو چه خواسته است و چهارم بشناسی آنچه تو را از دینت خارج کند.

طبق این حدیث، می‌توان اهداف علم نافع را در چهار دسته تقسیم کرد: ۱. شناخت خداوند به عنوان مبدأ عالم هستی؛ ۲. شناخت انسان به عنوان اشرف مخلوقات؛ ۳. شناخت تکلیف و مسئولیت او؛ ۴. شناخت آفت‌ها و آسیب‌ها در مسیر عبودیت. شاید بتوان گفت: انسان با شناخت ابعاد مختلف خالق‌شناسی، خودشناسی، موقعیت‌سنجی و ترسیم مسیر حرکت برای نیل به هدف غایی گام برمی‌دارد. بنابراین در ادبیات دینی، هدف غایی در این چهار حوزه ترسیم می‌شود که عمل را نیز در بطن خود دارد. از آنجا که شناخت و رفتار در اسلام در هم تنیده‌اند، هرچند اهداف شناختی بر اهداف رفتاری مقدم هستند و در تعیین اهداف رفتاری، تعیین اهداف شناختی مؤثر و مقدم و مقدمه‌اند، اما این دو در هم تأثیر و تأثر دارند. لذا عبودیت، در شناخت، گرایش و رفتار ظهور خواهد کرد (برادران، دیالمه و صالحی عمران، ۱۳۹۴: ۱۳).

در این میان باید به امر تشویق به علم و کتابت در سطح حاکمیت نیز توجه داشت؛ چنان‌که در روایات ذکر شده آمده است: نیشتری که مطالب علمی در آن انعکاس یافته است به صورت پرده و حفاظ و سپری میان او و آتش خواهد بود... در برابر هر حرفی

که در آن نگارش شده است شهری گسترده‌تر از دنیا و آنچه در آن است به وی عطا می‌شود ... (عاملی جبعی، ۱۴۰۹: ۳۴۱).

بنابراین به نظر می‌رسد که حضور حاکمیت و قاعده‌گذاری او در این میان به شناخت حوزه‌های دارای اولویت و اهتمام علما و دانشمندان به این امر ضرورت دارد تا امت اسلامی در جهتی شایسته در نظر و عمل حرکت نماید.

شهید ثانی با دو شاخص کمیت و کیفیت کتاب‌های حوزه علوم دینی در عصر خود، ضرورت اهتمام بر کتابت و نگارش در این حوزه و وجوب آن را بیان می‌کند. از نظر مؤلف، وجوب کفایی در بحث نگارش کتاب‌های دینی، برای «مسلمان کارآمد» در نظر گرفته می‌شود که «دست اندرکار نگارش و حفظ و صیانت و تصحیح و روایت مطالب این دو علم گرانقدر (قرآن و حدیث)» (عاملی جبعی، ۱۴۰۹: ۳۳۹) است. بنابراین تا وقتی که نیاز مردم در رجوع به این کتاب‌ها حل نشود، مسئولیت از گردن ایشان ساقط نمی‌شود و در صورت سهل‌انگاری، «مجرم و گناهکار» خواهند بود. سپس از این نکته چنین استنباط می‌نماید که اگر افراد کارآمد اقدام نکنند و نیاز مردم باقی باشد، مسئولیت نه تنها ساقط نمی‌شود بلکه حکم آن به واجب عینی تبدیل می‌شود؛ تبدیلی که دایره حکم را از خصوص به عموم گسترش می‌دهد و «در صورتی که نسبت به آن کوتاهی و سهل‌انگاری شود، همگی مجرم و گناهکار خواهند بود» (عاملی جبعی، ۱۴۰۹: ۳۳۹).

بنابراین در خصوص کتابت و نگارش، به خصوص در مواردی که بر اساس اهمیت موضوع، وجوب یا فوریتی وجود دارد، هر مسلمانی به سبب تعهد درونی، باید داوطلبانه و بی‌درنگ به پر کردن خلأ موجود مبادرت ورزد و در حد توان اقدام نماید. این ویژگی که امروزه در دانشگاه‌های پیشرو نیز مورد توجه قرار گرفته و با عنوان مسئولیت اجتماعی از آن یاد می‌شود (شک و هالیستر، ۲۰۱۷: ۴)، نگاه توسعه‌یافته‌ای از فرد و گروه به سوی جامعه دارد و منافع را چند سویه در نظر می‌گیرد (چن و همکاران، ۲۰۱۵: ۱۶۶). فارغ از تفاوت اصولی در رویکرد موجود با دیدگاه اسلامی، در نگاه اسلامی، برادری و عدالت در امت اسلامی ارزشمند است که می‌تواند انگیزه چنین حرکتی باشد که اگر مورد توجه قرار گیرد و همه‌گیر شود، نهضت تولید، کتابت و نشر علم دینی را به دنبال خواهد داشت.

به دلیل آثار بلندمدت کتابت و نگارش، اهمیت توجه به چگونگی و رعایت محتوا (کیفیت)، خود محل توجه است؛ چرا که خیر و شر هم در زمان حیات و پس از آن باقی می‌ماند و می‌تواند بدعت و سنتی را به دنبال داشته باشد. بنابراین به عنوان «حجت و دلیل به نفع یا زیان او در قیامت» (عاملی جبعی، ۱۴۰۹: ۳۴۱) خواهد بود. به عبارت دیگر: سود و زیان نگارش برای نگارنده آن مستمر و پایدار خواهد بود.

در نگاه مجموعی به مباحث فوق، الزام، مسئولیت و پاداش سه مبنایی هستند که با هم معنا پیدا می‌کنند. وقتی در چیزی الزام (وجوب) باشد، دو محور دیگر نیز خود به خود خواهند آمد و هرگاه از بین برود، پاداش و مسئولیت نیز از بین می‌روند. الزام بدون مسئولیت، یعنی وجود الزام بدون اینکه کسی ملزم شده باشد. مسئولیتی که از الزام تولد یافته یا نتیجه الزام است و یا خود نوع خاصی از الزام است. یعنی در عین اینکه فرد، مکلف به انجام این امور است، در قبال اعمال خود نیز باید پاسخگو باشد؛ آن هم در مقابل کسی که او را ملزم به انجام آن امور نموده است. پس فرد مسئول از دو ناحیه با مسئولیتش ارتباط پیدا می‌کند: از ناحیه اعمالش و از ناحیه کسی یا چیزی که او را به انجام عملی ملزم می‌کند (دراز، ۱۹۷۳، ۱۳۶).

از این منظر افراد و نیز حاکمیت در مسئولیت اجتماعی نقش اساسی دارند. مسلمانان کارآمد در وهله نخست به دلیل علم خود و نیاز جامعه بر اساس حکم واجب کفایی لازم است مسئولانه در جهت رفع نیاز جامعه اقدام نمایند. چنانچه ایشان از مسئولیت خویش سرباز زنند، سایرین لازم است به حکم واجب عینی حرکت کنند. از منظر دیگر، هر چند افراد با نیت خالص به چنین امری در جهت علم نافع گام برمی دارند، اما حاکمیت نیز باید پاداش و کیفر خود را به گونه‌ای تنظیم نماید که با این مسیر همگام باشد. به عبارت دیگر: افراد بر اساس الزام و مسئولیت دینی و تعهد درونی قیام خواهند کرد و پاداش و عقوبت هرکس نیز بر اساس نیت با خداوند است، اما لازم است حاکمیت نیز ابزارهای پاداش مناسب و متناسب را تدارک ببیند.

امروزه مدیریت زمان به مثابه «خودمدیریتی» مفهوم‌سازی شده است؛ چرا که افراط و تفریط در زمان آسیب‌زا است و شتاب موجب کاهش دقت، از دست رفتن اطلاعات و خطای تحلیل و پردازش است و تأخیر، بهره‌وری را کاهش می‌دهد (قراملکی، ۱۳۸۸: ۸۰). زمان و توجه به برنامه‌ریزی در این حیطه در علم‌آموزی و کتابت آنقدر اهمیت دارد که شهید ثانی در موارد متعدد به آن اشاره می‌کند و راهکارهایی برای برنامه‌ریزی زمانی ارائه می‌دهد؛ برای مثال در جایی به نوشتن محتوا بدون نقطه‌گذاری (مگر به حسب ضرورت برای کاهش خطا در فهم) می‌پردازد. در این باره چنان خساست به خرج می‌دهد که ارزش صرف زمان نگارنده را به سمت اولویت‌گذاری دقیق سوق می‌دهد و سویی دیگری از عقلانیت را به رخ می‌کشد. گویی انسان عاقل با نتایج حاصل از زمان صرف شده‌اش سنجیده شود که به چه اندازه به سرمایه تبدیل شده است:

حروف و کلماتی که حتی بدون نقطه و اعراب خواندن آنها آسان و معلوم است به نقطه‌گذاری آنها واقعی نهد؛ زیرا اگر بخواهد وقت خود را صرف این‌گونه کلمات کند، در حقیقت سرگرم کاری می‌گردد که اشتغال به غیر آن سزاوارتر بوده و باید این کوشش او را به عنوان رنج و تعب نازا و تلاشی بی‌ثمر تلقی نمود (عاملی جبعی، ۱۴۰۹: ۳۵۲).

در این راستا، مؤلف در تهیه منابع به فرایندی قائل است که به ترتیب بیان می‌شود و با احکام و باید و نبایدهای هر کدام در نزد شهید ثانی کامل می‌گردد:

۱. خریدن: توجه و ترغیب اولیه شهید ثانی، خرید کتاب مورد نیاز و سودمند است. در این صورت منبع برای مراجعه و رفع نیاز در اختیار است که در مصرف زمان مناسب نیز مؤثر است. در هنگام خرید کتاب نیز به تورق منبع برای اطمینان از صحت و سلامت آن اشاره می‌کند.

۲. اجاره و عاریه: به دلیل دشواری در حفظ امانت تنها در صورتی که امکان خرید کتاب برای فرد وجود نداشته باشد، عاریه یا اجاره راه دیگری است. همچنین بیان می‌کند: اگر صاحب کتاب، کتابش را مطالبه کند، پس از آن نگهداری کتاب حرام است.^۹

۳. استتساخ: این کار تنها در صورتی قبول است که دو حالت قبلی امکان‌پذیر نباشد؛ چرا که «اشتغال به تحصیل مهم‌تر و پرارزش‌تر از استتساخ کتب است». به عبارت دیگر: استتساخ می‌تواند در کاهش زمان مطالعه و نیز سرعت بخشی به فرصت درک مطالب و نیز کتابت آسیب بزند. بنابراین مجوز استتساخ به «فقدان امکانات مالی» یا «کمبود کتاب» موکول شده است.

شاید به دلیل شرایط امروزی، استتساخ موضوعیت نداشته باشد، اما می‌توان گفت از آنجایی که به خصوص در امر کتابت، بهره‌بردن از دانش دیگران و فهم ادبیات تحقیق ضرورت دارد، استتساخ به معنای امروزی یادداشت برداری برای تحلیل، نقد و نشان

دادن اتصال دانش خود به دیگران برای حفظ انسجام علمی قابل توسعه است. وی بر مقابله با متن در هنگام استتساخ و پس از اتمام آن تأکید دارد. چنین دقت نظری برای محقق نه تنها در آرامش و اطمینان قلبی مؤثر است بلکه مانع از صرف زمان اضافی برای اصلاح فرآیند می‌شود.

شهید ثانی برای تحصیل علم، اهتمام به تهیه منابع اساسی و «جمع‌آوری کتب سودمند و مورد نیاز» را ضروری می‌داند و می‌گوید: به تجربه ثابت شده که در نزد فضلا و فرزندان علمی، در سایه جمع‌آوری کتب سودمند و مورد نیاز، پیشرفت‌های فزاینده‌ای به دست آمده است؛ به این شرط که «به کوشش و تحمل رنج تحصیل علم و مطالعه و جلوس در محضر استادان» (عاملی جبعی، ۱۴۰۹: ۳۴۲) نیز پرداخته شود؛ چرا که توان علمی و حوایج معنوی و روحی انسان فراتر از داشتن منابع و جمع‌آوری کتب است. به عبارت دیگر، تهیه منابع به جهت مدیریت زمان و دسترسی مناسب به آن در کنار درک و فهم و حفظ آموخته‌ها معنادار می‌شود و به سرمایه‌ای قابل توجه منجر می‌گردد.

شهید ثانی این نگاه را نیز با پاداشی اخروی تکمیل می‌کند که نشانه آن است که تلاش برای فهم و درک به دلیل اثرات پایدار و دامنه‌دارش، شایسته پاداش است: «وَمَنْ جَلَسَ عِنْدَ الْعَالِمِ سَاعَةً نَادَاهُ الْمَلِكُ جَلَسْتَ إِلَيَّ عَبْدِي وَ عَزَّتِي وَ جَلَالِي لِأَسْكِنَنَّكَ الْجَنَّةَ مَعَهُ وَ لَا أَبَالِي» (عاملی جبعی، ۱۴۰۹: ۳۳۹).

با دقت در مطالب ارائه شده به جهت توسعه بحث، اگر در تحصیل علم نیاز به تهیه منابع و بهره‌گرفتن از محضر استاد برای درک و فهم بهتر باشد، اهمیت آن برای هر کس که به امر کتابت و نگارش مشغول است دوچندان می‌شود؛ چرا که ۱. کتابت و نگارش در خلأ شکل نمی‌گیرد و به دلیل اهمیت حفظ استاد و رجوع به منابع در صورت ضرورت، تهیه منابع در این باره نیز موضوعیت می‌یابد. ۲. به دلیل آثار بلندمدت و دامنه‌دار کتابت و ارزش علمی آن، ضرورت تلمذ در محضر استاد را آشکار می‌کند؛ زیرا دقت نظر در محتوای تولید شده، کیفیت محتوا و اثرگذاری آن را تضمین می‌کند.

شهادت حضرت زینب (س)

شهید ثانی به نقل از دانشمندی می‌نویسد:

اگر کسی از بذل علم و دانش دریغ کند و از عاریه دادن کتاب بخل بورزد، به یکی از عواقب و فرجام‌های نامطلوب دچار می‌شود: نسبت به آن علم و کتب یا محتوای آن گرفتار نسیان و فراموشی می‌شود؛ تا وقتی که زنده است از این علم و کتب، سودی نمی‌برد؛ سودنابرده از این کتب می‌میرد؛ کتاب‌هایش از میان می‌روند (شهید ثانی ۱۳۹۴: ۵۶۲).

شهید ثانی در جایی دیگر ذکر می‌کند: هرگاه در اثر عاریه دادن کتاب به دیگران خود فرد متضرر نشود، یعنی در مدت زمان عاریه به آن نیاز نداشته باشد و اطمینان داشته باشد که عاریه‌گیرنده به کتاب زینانی نمی‌رساند، حکم اجاره یا عاریه «استحباب مؤکد» دارد؛ چرا که چنین عملی «اعانه علمی» و «معاضدت و همیاری در کار نیک و مساعدت در احسان و تقوا» و مصداق آیه «تعاونوا علی البر و التقوی» است. در مقابل چنین توصیه‌ای، با نگاه اندازنده‌ای که گویا خود را موظف به توسعه سرمایه می‌داند، پیامدهای بخل‌ورزی را چنین بیان می‌کند: نسیان و فراموشی علم، سود نبردن از آن علم، از بین رفتن کتاب‌های حبس شده بعد از مرگ او (عاملی جبعی، ۱۴۰۹: ۳۴۳).

شلبی نیز به نقل از ابن جماعه می‌نویسد: «کتاب به دیگران امانت دادن تا جایی که زینانی برای امانت‌دهنده بار نیآورد

مستحب و پسندیده است». در ادامه حدیثی از پیامبر اکرم نقل می‌کند که «نخستین آموزش خداوند بهره کسی است که به نقل احادیث سرگرم است و آن این است که او توفیق وام دادن کتاب‌ها به دیگران را دارد» (شلبی، ۱۳۸۷: ۱۵۷). چنین رویکردی البته فراتر از نگاه حاضر است و نقل علم را نیز در زمره امانت دادن به دیگران قرار می‌دهد. علم از معدود نعمت‌های خداوند به بشر است که بخشیدن آن به دیگران، از مخزن آدمی هیچ چیزی کم نمی‌کند و به علاوه به رشد و نمو آن نیز می‌انجامد، به همین دلیل می‌فرماید: «زُكُوَةُ الْعِلْمِ نَشْرُهُ» (تمیمی، ۱۳۶۶: ۳۹۰).

آنچه بیان شد، مؤید دو نکته است: ۱. بذل علم به مثابه سخاوت علمی است. ۲. امانت کتاب به عنوان اعانه علمی است. همان‌طور که اشاره شد، داشتن کتاب به تنهایی کفایت نمی‌کند و ارزش‌آفرین نیست بلکه در صورت فهم و درک آن و نیز تلمذ در کنار استاد برای بهره‌گیری از آن دارای قدر و ارزش است.

شهید ثانی در تأکید بر اهمیت کتابت علاوه بر «صیانت و نگهداری» از علم، دلایلی بر می‌شمرد که از آن جمله «امکان انتفاع بیشتر و نیز دوام و استمرار منافع آن بر علم شفاهی در انتقال به دیگران» است (عاملی جبعی، ۱۴۰۹: ۳۴۱). از این منظر و آنچه اشاره شد، می‌توان گفت: کتابت علم خود، نشانه سخاوت علمی است که بر رشد و نمو آن خواهد افزود؛ چرا که با کتابت بر قوت نشر و استمرار توسعه علم مکتوب، بدون کاستی یا با کمترین کاستی افزوده می‌شود. همچنین امکان انتفاع بیشتری در زمان طولانی‌تر و در شرایط متنوع امکان‌پذیر می‌شود. علاوه بر آن، توسعه سرمایه‌ها را به دنبال خواهد داشت.

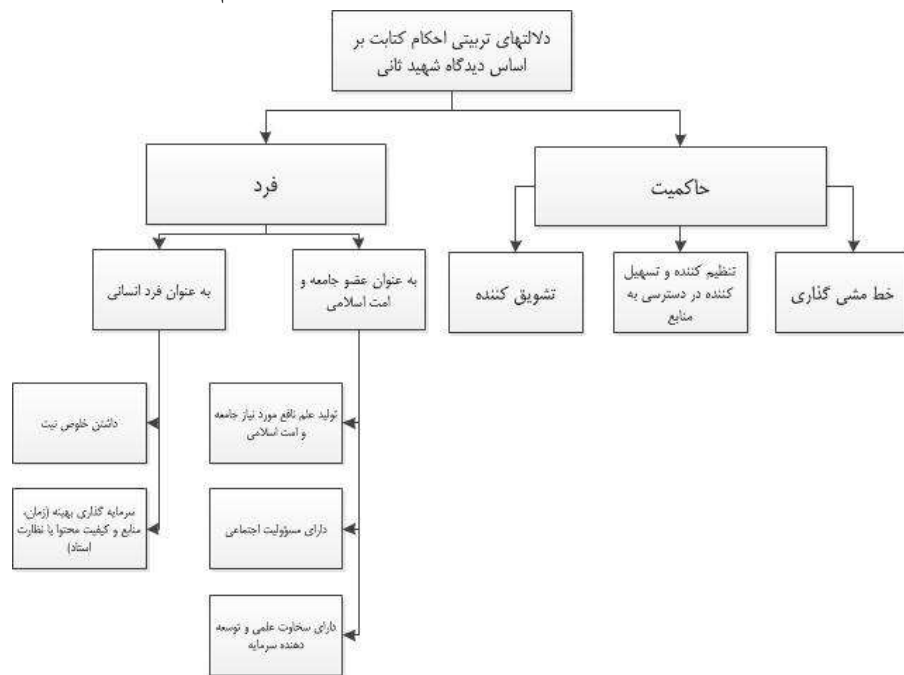
همان‌طور که در سرمایه‌گذاری بهینه گفته شد، هر چند در استفاده از منابع به لحاظ مدیریت زمان و نیز دشواری حفظ امانت (کتاب)، توصیه می‌کند که در حد امکان سعی نمایند منابع مهم و اصلی را خود تهیه کنند، در مقابل به دارندگان منابع نیز توصیه می‌کند که سخاوتمندانه در امانت دادن کتاب به دیگران پیش‌قدم باشند و منابع را «حبس نکنند». از این نظر می‌توان چنین استنباط کرد که علم در سینه عالم نیز در صورت مکتوب شدن، از حبس خارج شده و در اختیار دیگران قرار می‌گیرد. در روایات متعددی حریص بودن در علم به طور مطلق توصیه شده است که هم شامل یاددهی می‌شود و هم یادگیری. به تعبیری دیگر، هم شامل معلم است که باید در یاد دادن حریص باشد و هم متعلم است که حریص در یادگیری باشد: «مِنْ عَلَامَةِ أَحَدِهِمْ أَنْ تَرَى لَهُ قُوَّةً فِي دِينٍ وَ حِزْمًا فِي لَيْنٍ وَ إِيمَانًا فِي يَقِينٍ وَ حِرْصًا عَلَى عِلْمٍ وَ فَهْمًا فِي فَهْمِهِ وَ عِلْمًا فِي حِلْمٍ» (سید رضی، ۱۴۰۶: ۳۰۵).

چنین نگرشی در بطن خود نشانه توجه به اشتراک نهادن منابع با دیگران و توسعه سرمایه است؛ رویکردی که می‌تواند به توسعه دانش در انسان‌ها و شکل‌گیری توسعه انسانی بینجامد؛ زیرا انسانی که کسب علم کرده، سرمایه‌ای است که به بهره‌وری در عرصه‌های مختلف کمک خواهد کرد. چنین اصطلاحی در تعبیر شهید ثانی همان «خیر و برکت و فزونی» است که موجب «سرمایه علمی و انسانی» می‌گردد.

بنابراین وی با بیان استحباب مؤکد در بذل علم و کتاب که نقش بشارت دارد و با بیان عواقب بخل‌ورزی که نقش انداز دارد، تلاش می‌کند جامعه را به سمت اشتراک منابع علمی برای توسعه علم سوق دهد. چنین رویکردی در سطح کلان حکومتی نیز مؤثر است؛ به طوری که با اشتراک‌گذاری منابع، انباشتگی بهینه و دسترسی بیشتر و بهتر آن برای مراجعه‌کنندگان فراهم می‌شود.

در نگاه مجموعی، یافته‌ها در استخراج دلالت‌های تربیتی احکام نگارش، ناظر بر دو بعد کلان (حکومتی) و خرد (در سطح فردی) قابل تقسیم‌اند. با توجه به اینکه توجه نویسنده کتاب *منیة المرید* بر فرد استوار است، مقوله‌های احصا شده در این بخش فربه‌تر هستند. اما به دلیل اهمیت نگاه دو سویه برای اثربخشی احکام، مواردی به سطح کلان قابل عرضه است که در یافته‌ها به آن اشاره شد؛ از جمله وجود مشوق‌ها برای ایجاد انگیزه نگارش و کتابت علم نافع، اولویت‌گذاری در علوم که خود تبیین‌کننده نیاز جامعه است و فراهم کردن شرایط برای اشتراک منابع برای افزایش سرمایه علمی که هریک نشانه احکام مترتب بر این بعد هستند.

همچنین هر مسلمانی (در وهله نخست مسلمان کارآمد و در وهله دیگر هر مسلمانی) با توجه به اینکه انسان و مکلف است، در این باره دارای نقش فردی است و از این جهت که عضو امت اسلامی و جامعه انسانی است، دارای نقش اجتماعی است. بنابراین به تناسب هریک از نقش‌ها، احکامی بر او مترتب است که رفتار او را تنظیم می‌کند.



نمودار ۱: دلالت‌های تربیتی احکام کتابت بر اساس دیدگاه شهید ثانی؛ ابعاد و احکام مترتب بر اساس نقش

در نهایت می‌توان گفت: از آنجا که همراهی افراد با حاکمیت برای تحقق اهداف جامعه و رفع نیازهای امت اسلامی لازم است و این همراهی هم‌افزایی ایجاد می‌کند که منافع آن هم به فرد، هم به دیگر افراد در جامعه و هم به حاکمیت می‌رسد، لازم است حاکمیت با برنامه‌ریزی صحیح بر اساس نیازها، خط مشی مناسبی را در برنامه علمی اتخاذ نماید. در این برنامه لازم است با مدیریت منابع (تهیه و اشتراک منابع و تسهیل دسترسی به آن) به همراه مشوق‌ها در کتابت علم و تسهیم آن با دیگران جامعه را به سمت سرمایه‌گذاری همه‌جانبه سوق دهد.

از سوی دیگر هر مسلمان کارآمد موظف است با توجه به فریضه بودن این امر مهم، با خلوص نیت در این امر عبادی گام نهد و با توجه به پیامد بلندمدت نگارش و کتابت که دامنه آن به آخرت نیز کشیده می‌شود، با توجه به نیاز جامعه در کمال

سخاوت علمی در کنار سرمایه‌گذاری بهینه با حفظ کیفیت کتابت، به نشر علم نافع همت گمارد تا به هدف میانی خلقت (آبادانی زمین) دست یابد و راه تسلط بیگانگان بر جوامع مسلمین را کوتاه نماید. این نکته حائز اهمیت است که در صورت کم توجهی مسلمان کارآمد - اعم از دانشمند و عالم - این مسئولیت از دوش سایرین ساقط نمی‌شود و هرکس به اندازه وسع خویش باید در این عرصه تلاش کند.

چنین فرآیندی به خیر عمومی منجر می‌شود که به عنوان مفهوم مرکزی حاصل از دلالت‌های تربیتی ارائه شده قابل استنباط است؛ به شرط آنکه چرخه تولید علم به درستی طی شود. یعنی افراد بتوانند با بهره‌گیری از منابع مکتوب و اساتید با صلاحیت، به عمق بخشی به فهم و درک خود مبادرت ورزید و آنچه را به عنوان علم در سینه دارند، بر اساس اولویت‌ها، به صورت مکتوب و با کمال اخلاص و با سخاوت علمی در اختیار دیگران قرار دهند. در این صورت محتوای با کیفیت در چرخه منابع سودمند قرار خواهد گرفت که لازم است به تناسب (با رعایت شاخص کمیت) در دسترس همگان قرار گیرد تا به غنی شدن چرخه علم بینجامد.

۱. إقرأ باسم ربك الذي خلق * خلق الإنسان من علقٍ * اقرأ وربك الأكرم * الذي علم بالقلم * علم الإنسان ما لم يعلم (علق: ۱-۵).
۲. القلب يتكل على الكتابه (كلینی، ۱۳۶۶: ۱/۶۶).
۳. أُكْتُبُ وَبُتَّ عِلْمَكَ فِي إِخْوَانِكَ فَإِنْ مِتَّ فَأُورِثُ كُتُبَكَ بَيْنَكَ فَإِنَّهُ يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ هَرَجٌ لَا يَأْنُسُونَ فِيهِ إِلَّا بِكُتُبِهِمْ (همان: ۱/۶۷).
۴. طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ وَ مُسْلِمَةٍ أَلَا وَ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ بُعَاةَ الْعِلْمِ (طبرسی، ۱۳۸۵: ۱۳۳) دِمَاءُ الشُّهَدَاءِ مَعَ مِدَادِ الْعُلَمَاءِ فَيَرْجَحُ مِدَادُ الْعُلَمَاءِ عَلَى دِمَاءِ الشُّهَدَاءِ (صدوق، ۱۴۱۳: ۴/۳۳۹).
۵. در توصلی نوع دوم قصد ریا حرام است، اما قصد قربت در آن شرط نیست. یعنی با عدم نیت الهی نیز عمل محقق می شود و باطل نیست (اعرافی، ۱۳۸۷: ۲/۱۲۸).
۶. روایات فراوانی فضیلت حرفه هایی مانند کشاورزی، دامداری، باغداری، کشتیرانی، صید ماهی، شیلات و سحرگاهان به دنبال کار رفتن را بیان می کنند (جوادی آملی، ۱۳۹۱: ۸۰ - ۸۱).
۷. مانند تیراندازی و شنا در تأکیدهای پیامبر اکرم: «حق الولد علی الوالد أن یُعَلِّمَهُ کتاب الله، الرَّمَى و السِّبَاحَةَ؛ حق فرزند بر پدر آن است که کتاب خدا و شنا کردن و تیراندازی را به او بیاموزد» (متقی هندی، ۱۴۰۱: ۱۶/۴۴۴).
۸. «لَنْ یَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (نساء: ۱۴۱)
۹. این حکم دو منظر دارد که از فحوای کلام در سایر مطالب قابل استخراج است: الف. به دشواری افتادن صاحب کتاب برای استفاده از منبع؛ ب. امتناع از عاریه دادن کتاب به دیگران به دلیل تجربه سابق؛ گوی جلوی خیر گرفته می شود.

قران کریم

اعرافی، علیرضا، فقه تربیتی؛ مبانی و پیش فرض‌ها، تحقیق و نگارش سید نقی موسوی، علی حسین‌پناه، قم، انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۷.

برادران، مریم؛ دیالمه، نیکو؛ صالحی عمران، ابراهیم، علم نافع، مؤلفه‌های مناسب انتخاب محتوای آموزشی و تأثیر آن در سبک زندگی علمی، ارائه شده در همایش ملی سبک زندگی اسلامی با رتبه علمی پژوهشی، دانشگاه مازندران و پژوهشگاه فرهنگ و معارف اسلامی، ۱۳۹۴.

تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، غررالحکم و دررالحکم، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چاپ اول، ۱۳۶۶.

جوادی آملی، عبدالله، مفاتیح الحیات، چاپ سی و پنجم، قم، اسراء، ۱۳۹۱.

حرانی، ابن شعبه، تحف العقول عن آل الرسول، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ق.

حلی، ابن فهد، عده الداعی و نجاح الساعی، قم، دارالکتاب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.

دراز، محمد عبدالله، دستور الاخلاق فی القرآن، ترجمه عبد الصبور شاهین، کویت، دار البحوث العلمیه، ۱۹۷۳.

رحیمی راغب؛ قیم، بهادر، جایگاه علم و علم آموزی در اسلام، فصلنامه جندی شاپور، سال یکم، شماره ۳، ۱۳۹۴.

سید رضی، نهج البلاغه، صبحی صالح، قم، موسسه دارالهجره، ۱۴۰۶ق.

شلیبی، احمد، تاریخ آموزش در اسلام، ترجمه محمدحسین ساکت، تهران، نگاه نشر معاصر، ۱۳۸۷.

صدوق، ابوجعفر محمد بن علی بن بابویه قمی، من لایحضره الفقیه، قم، انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه

قم، ۱۴۱۳ق.

عاملی جبعی، زین‌الدین بن علی بن احمد، منیه المرید فی اداب المفید و المستقید، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، چاپ اول،

۱۴۰۹ق.

قواملکی، احد فرامرز، روش‌شناسی مطالعات دینی، تحریری نو، مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، چاپ هفتم، ۱۳۸۸.

کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵.

المتقی الهندی، علاء‌الدین علی بن حسام‌الدین، کنز العمال فی سنن الأقال والأفعال، محقق: بکری الحیانی، صفوه السقا،

بیروت، مؤسسة الرساله، ۱۴۰۱ق.

مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار، تهران، الاسلامیه، ۱۴۰۳ق.

مهدوی کنی، صدیقه، مجموعه مقالات منتخب همایش سراسری علم، معرفت و تضارب ارا در مکتب جعفری، تهران، نشر

کاور، ۱۳۸۴.

نلینو، کرلوا الفونسوا، نجوم اسلامی، ترجمه احمد آرام، تهران، کانون نشر پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۷۸.

Boyatzis, R. E. (۱۹۹۸) Transforming qualitative information: thematic analysis and code development, Sage.

Braun, V. ; Clarke, V. (۲۰۰۶) Using thematic analysis in psychology. Qualitative Research in Psychology, Vol. ۳, No. ۲, PP. ۷۷-۱۰۱.

Chen, Shu-Hsiang; Nasongkhla, Jaitip; Donaldson, J. Ana (۲۰۱۵) University Social Responsibility (USR): Identifying an Ethical Foundation within Higher Education Institutions, The Turkish Online Journal

of Educational Technology, Vol 14 No. 4, PP.160- 172

Hollister, Robert (2017), The Project: Theoretical Framework and Global Institutional Experience, Chapter 1 from: University Social Responsibility Quality of Life; a global survey of concepts and experiences, Springer

Educational Implications of the Rule of Writing based on Shahid Thani's Opinion *

Maryam Brotheran Haqir **

Siddighe Mahdavi Kani**

Abstract

This study aims to extract educational significations and implications of the writing and spreading knowledge. For this purpose, *Munyatul Murid fi Adab al-Mufid wa al-Mustafid* authored by Zainuddin b. Ali b. Ahmad Amili Jab'ei better known as Shahid Thani has been examined. In this study carried out on the basis of the main question of research with a qualitative analysis approach involving a procedure of content analysis to explore the author's overt and covert idea, the educational significations have been extracted with an analytical and inferential method. The findings of the research are the following: sincerity of intention as a legitimate sense of direction, paying attention to social responsibility, production and propagation of useful knowledge, optimal investment, scientific generosity and development of the asset. The result of the findings indicate that educational implications can be expressed in two dimensions (individuality and sovereignty) which can, in case of assistance, lead to public good.

Keywords: educational implications, ruling of writing, Shahid Thani, public good, sovereignty.

* Date of submission: ۲۰/۰/۲۰۱۸ Date of acceptance: ۲۱/۷/۲۰۱۸

** Faculty member of Imam Sadiq University (Baradaran@isu.ac.ir).

*** Faculty member of Imam Sadiq University (S.Mahdavi@isu.ac.ir).